

نشریه علمی - پژوهشی  
پژوهشنامه ادبیات تعلیمی  
سال پنجم، شماره نوزدهم، پاییز ۱۳۹۲، ص ۹۵-۱۳۰

## بررسی شیوه‌های ترغیب و تحذیر در گلستان سعدی

دکتر اکبر صیادکوه\* - لیلا بستانی کوهنجانی\*\*

### چکیده

شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی از تأثیر گذارترین شخصیت های ادب پارسی است که آثار وی از زمان حیاتش تاکنون با استقبال فراوان مخاطبان همراه بوده است. قرن‌هاست که گلستان و بوستان وی در مراکز آموزشی قدیم و جدید، در ایران و خارج از ایران خوانده می شود. افزون بر زبان آهنگین، رسا و پر تأثیر، توجه شیخ اجل به مسائل اجتماعی و بایدها و نبایدهای اخلاقی، در استقبال مراکز آموزشی و دیگر مخاطبان بی تأثیر نبوده است و همین امر موجب شده است که شیخ شیراز در اذهان بسیاری از فارسی زبانان، بیشتر به عنوان یک معلم اخلاق نقش بندد. از آن جا که فراخواندن به زیبایی ها و نیکی ها و بازداشتن از بدی ها و زشتی ها از اصلی ترین مباحث و اصول علم اخلاق است و این بن مایه ها با آثار ادبی بویژه

---

\* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز [asayad@rose.shirazu.ac.ir](mailto:asayad@rose.shirazu.ac.ir)

\*\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز [bostankherad@gmail.com](mailto:bostankherad@gmail.com)

گلستان و بوستان شیخ اجل آمیختگی و پیوند استواری دارد. در این مقاله قصد بر آن بوده است که بررسی شود شیخ اجل در کتاب پیر ارج گلستان، مخاطبان را به چه اموری ترغیب کرده است و از چه اموری بازداشته است و برای هدایت مخاطبان خود از چه شیوه های ترغیب یا فراخوانی و تحذیر یا بازداشتی بهره برده است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که سعدی در گلستان، در ۴۷ مورد مختلف، مخاطب را به فضایل اخلاقی فرا خوانده است و در ۷۳ مورد نیز از رذایل اخلاقی باز داشته است در این مقاله برخی از آن ها بر اساس بسامد نشان داده خواهد شد.

## واژه های کلیدی

سعدی، گلستان، تعلیم و تربیت، ترغیب و تحذیر.

### ۱- مقدمه

افصح المتکلمین سعدی شیرازی از جمله آگاه ترین و اجتماعی ترین شاعران زبان فارسی است. او آشناترین و تاثیرگذارترین سیمای فرهنگی ایران و یکی از ارکان مهم ادب فارسی و از چهره های درخشان و کم نظیر ادب جهانی به شمار می آید. شخصیت بی همتایی که آثار ارزشمند و جاویدی از خود به یادگار گذاشته است. عالمی فقیه و آموزگاری آگاه که با اختصاص دو باب از مهم ترین آثار خود، یعنی گلستان و بوستان، به تعلیم و تربیت، اهتمام خود را بدین امر نشان داده است. یکی از مهمترین موضوع های علوم انسانی در جهان قدیم و جدید، اخلاق و تعلیم و تربیت است. استقبال فراوان دانشمندان، ادبا و علمای دینی از این موضوع، گواه این ادعاست. پیوند هنرمندان و ادبا با اخلاق در جهان قدیم، بسیار استوارتر از دوره های متاخر و معاصر بوده است؛ به همین سبب بن مایه بیشتر متون ادبی جهان به ویژه متون نظم و نثر

فارسی را مسایل اخلاقی به خود اختصاص داده است. در پیوند با این موضوع است که بیشتر آثار ادبی قدیم را می‌توان از دیدگاه نقد اخلاقی بررسی کرد. «از میان انواع نقد در روزگار ما، نقد اخلاقی دارای سابقه کهن تری است. افلاطون در جمهوریت به تاثیر اخلاقی شعر توجه داشته است. ارسطو مسأله تزکیه را با عبرت پذیری از سرنوشت قهرمانان در تراژدی مطرح می‌کند و هوراس برای فایده بخش بودن شعر در کنار ارزش‌های هنری و زیبایی شناختی آن، بر جنبه‌های اخلاقی تکیه دارد. این توجه به زمینه‌های اخلاقی، بعدها در دوره رنسانس هم ادامه داشت» (امامی، ۱۳۸۵: ۱۱۹). تعلیم و تربیت نیز که خود از زیر مجموعه‌های بزرگ دانش اخلاق به شمار می‌آید، پیشینه‌ای طولانی دارد: «به طوری که سابقه آن و ایجاد مدارس در یونان به دوهزار سال پیش از میلاد مسیح برمی‌گردد» (آقازاده، ۱۳۸۲: ۱۷۸).

کوتاه سخن این که سعدی به عنوان یک معلم اخلاق، بسیاری از بحث‌ها و نظریات خود را به مسأله تعلیم و تربیت اختصاص داده است. «او به گواهی آثارش، به‌ویژه گلستان و بوستان، بیش از اغلب شاعران و سخنوران خاورزمین در بند تعلیم و تربیت افراد بوده و نظریات تربیتی و اخلاقی خود را به وجهی پی‌گیر و جدی و در عین حال روشن و رسا بیان کرده است. وی در راه تأکید بر اهمیت تعلیم و تربیت تا آن‌جا پیش رفته است که مراکز آموزش و پرورش آن روز یعنی «مدرسه»‌ها را بر خانقاه‌ها و کانون‌های تجمع «اهل طریق» که در آن روزگار، نامی و آوازه‌ای داشته‌اند، برتر شمرده است» (ترابی، ۱۳۷۶: ۱۳۸).

«صاحب‌دلی به مدرسه آمد ز خانقاه  
بشکست عهدِ صحبتِ اهل طریق را  
گفتم میان عالم و عابد چه فرق بود  
تا اختیار کردی از آن این فریق را  
گفت آن گلیم خویش به در می برد ز موج  
وین جهد می‌کند که بگیرد غریق را»  
(سعدی، ۱۳۸۷: ۱۰۴)

نکته مهم دیگری که در این جا باید بدان اشاره کرد، این است که شیخ اجل در فراخواندن مخاطبان به زیبایی ها و نیکویی ها و بازداشت آن ها از زشتی ها و ناپسندی ها، چنان مهارت و استادی به کار برده که امر و نهی یا ترغیب و تحذیر وی بر جان مخاطبان می نشیند. وی به این ترفندهای خود در زبانی اعجازگونه چنین اشاره کرده است: «بر رای روشن صاحب‌دلان که روی سخن در ایشان است، پوشیده نماند که دُر موعظه های شافی را در سلک عبارت کشیده است و داروی تلخ نصیحت به شهد ظرافت برآمیخته تا طبع ملول ایشان از دولت قبول محروم نماند» (سعدی، ۱۳۸۷: ۱۹۱). بر همین اساس بیان نوع و شیوه‌هایی که سعدی در ترغیب و تحذیر در گلستان به کار گرفته، می‌تواند برای مخاطبان این اثر، مفید واقع شود و قصد این مقاله هم بررسی همین شیوه‌هاست. شایان ذکر است که برای دست یابی بدین موضوع، گلستان سعدی با دقت بررسی شده است و بسامد شیوه ها، به صورت آماری ارائه شده است.

## ۲- یافته‌های تحقیق

۱-۲ ابزار: منظور از ابزار در این پژوهش، ابزار ارائه موضوع یعنی نظم یا نثر است. سعدی در ترغیب و تحذیرها گاهی از نظم بهره گرفته است و مطلب خود را در قالب شعر بیان کرده، گاهی هم مطلب را به صورت نثر بیان کرده است. در مواردی نیز نظم یا نثر را برای بیان ترغیب و تحذیرهای خود در هم آمیخته است و این در جاهایی است که تأکید بیش‌تری روی مطلب داشته است.

۲-۲ شیوه ترغیب یا تحذیر: منظور این است که سعدی این دو موضوع را چگونه ارائه داده است. او در این محور از شیوه‌های مختلفی استفاده کرده است. از جمله:

۱-۲-۲ استناد به قرآن و حدیث: سعدی از آن‌جا که خود جرعه‌نوش کلام الهی و احادیث نبوی بوده، شیوه بیان برخی از ترغیب و تحذیرهای خود را بر پایه استناد به

قرآن و حدیث قرار داده است.

استناد و اثرپذیری از قرآن و حدیث به شیوه‌های گوناگونی صورت می‌پذیرد؛ شیوه‌هایی که گاه پیدا و گاه پنهان هستند. در کتاب «تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی» از سید محمد راستگو، یازده شیوه بیان گردیده است (راستگو، ۱۳۸۷: ۲۸) ولی سعدی برای بیان مطلب خود از چند روش بیش‌تر استفاده نکرده است. روش‌هایی که سعدی به‌کار گرفته عبارتند از:

۲-۲-۱-۱ **اقتباس یا تضمین:** «در این شیوه، گوینده گزاره‌ای یعنی عبارتی قرآنی یا روایی را با همان ساختار عربی بی‌هیچ‌گونه تغییر و دگرگونی یا با اندک تغییری که در تنگنای وزن و قافیه از آن‌گزیری نیست، در سخن خود جای می‌دهد» (همان: ۳۰).

۲-۲-۱-۲ **ترجمه:** در واقع ترجمه‌ای است از آیه یا حدیث.

۲-۲-۱-۳ **اثر پذیری الهامی - بنیادی:** «در این شیوه، گوینده مایه و پایه سخن خویش را از آیه یا حدیثی الهام می‌گیرد و سروده خویش را بر آن نکته الهام گرفته بنیاد می‌دهد» (همان: ۴۷).

۲-۲-۱-۴ **اثرپذیری تلمیحی:** این شیوه مثل اثرپذیری الهامی - بنیادی است اما شاعر یا نویسنده به عمد آن را با نشانه و اشاره‌ای همراه می‌سازد.

۲-۲-۲ **استناد به گفتار بزرگان:** شیوه‌ای دیگری که سعدی از آن بهره جسته، استناد به گفتار بزرگان است. این شیوه نیز خود به چهار دسته، به شرح زیر تقسیم می‌شود:

۲-۲-۲-۱ «استناد به شخصیت‌هایی که نوعی یا تپییک نامیده می‌شوند. که در واقع منظور افرادی هستند که نماینده قشر یا طبقه اجتماعی خود هستند. مثل صاحب‌دلی، صوفی، درویشی، فقیهی و....»

۲-۲-۲-۲ **مذهبی - عرفانی:** که شامل پیامبران و امامان و عرفا می‌شود.

۲-۲-۲-۳ **تاریخی - اسطوره‌ای:** شخصیت‌های تاریخی منظور شخصیت‌هایی است

که ساخته و پرداخته ذهن سعدی نیستند بلکه در عالم واقع، در یک برهه از زمان زندگی می‌کردند و به‌گونه‌ای در تاریخ تأثیر گذاشته‌اند. شخصیت‌هایی مانند سلطان محمود، انوشیروان، هارون‌الرشید و....

منظور از شخصیت‌های اسطوره‌ای، کسانی هستند که جایگاه تاریخی آنان دقیقاً معلوم نیست و تا حدودی با افسانه‌ها درآمیخته‌اند، کسانی چون جمشید، بهرام و....

۲-۲-۴ شخصیت تمثیلی که در واقع شخصیت جانشین شونده است که در نمونه‌های ذکر شده از ترغیب و تحذیر نمونه آن یافت نشد (صیادکوه و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۵۷-۱۳۱).

۲-۲-۳ تمثیل: در بررسی شیوه‌های ترغیب و تحذیر؛ تمثیل جزء موارد پرکاربردی است که سعدی برای بیان خود از آن استفاده کرده است.

۲-۲-۴ استدلال: از ابزارهایی است که سعدی گاه از آن استفاده کرده است و ضمن آوردن دلیلی، ترغیب یا تحذیر خود را مطرح کرده است.

۲-۲-۵ معرفی الگو: سعدی گاهی برای اثرگذاری بیش‌تر بر مخاطب، در مورد آن چه که به آن ترغیب یا تحذیر می‌کند، الگو و نمونه‌ای را مطرح می‌کند که اغلب برای مخاطب شناخته شده است.

۲-۲-۶ امر یا نهی مستقیم یا غیر مستقیم: سعدی گاهی ترغیب یا تحذیرهای خود را به صورت امر و نهی بیان می‌کند که در بیشتر موارد امر و نهی‌های سعدی در معنی مجازی، ارشاد و راهنمایی مخاطب است. مثلاً در مورد زیر سعدی تحذیر خود را از عیب جوئی دیگران به صورت نهی بیان می‌کند:

«هر که حَمَّال عیب خویشتیند طعنه بر عیب دیگران مزیند»  
(سعدی، ۱۳۸۷: ۱۴۸)

۲-۲-۷ حُسن تعلیل: شیوه دیگری که سعدی در ترغیب و تحذیرهای خود به‌کار

گرفته حُسن تعلیل یا علت ادعایی و خیالی است که به کمک آن مخاطب را به اموری دعوت می‌کند یا از اموری باز می‌دارد.

**۳-۲ نوع ترغیب یا تحذیر:** در این پژوهش منظور ما از نوع تحذیر یا ترغیب، نوع مادی یا معنوی آن است. شیخ اجل در بیان ترغیب و تحذیرهای خود گاهی به امور معنوی و گاهی به امور مادی نظر داشته است.

**۴-۲ جنبه مستقیم یا غیر مستقیم داشتن ترغیب یا تحذیر** منظور این است که سعدی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم مخاطب را به امری ترغیب و یا از کاری تحذیر کرده است. در مورد زیر که به عنوان نمونه ذکر گردیده سعدی به صورت مستقیم مخاطب را به علم اندوزی ترغیب کرده است:

«مرد باید که گیرد اندر گوش ورنه نشته ست پند بر دیوار»

(سعدی، ۱۳۸۷: ۱۰۴)

**۵-۲ وجه فعل:** در این محور افعالی که سعدی در ترغیب و تحذیرهای خود به کار گرفته است از سه جهت: مثبت بودن، منفی بودن و وجه مصدری داشتن، بررسی شده است؛ زیرا بیشتر فراخواندن‌ها و بازداشت‌ها در زبان به کمک فعل تحقق می‌پذیرد از این رو تحذیر و ترغیب‌های سعدی از دیدگاه وجوه افعال نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

**۶-۲ قالب بیان:** در این محور، بیان سعدی در ترغیب مخاطب و تحذیر وی از جهت جد و طنز بودن بررسی گردیده است. موارد زیادی از ترغیب و تحذیرهای سعدی در این کتاب در قالب طنز بیان شده که در بررسی قالب بیان مشخص گردیده‌اند.

کوتاه سخن این که سعدی با مطرح کردن مسائل اخلاقی به ما گوشزد می‌کند که بیش از هر مسأله‌ای باید اصول اخلاقی در مدنظر قرار گیرد. او مخاطب را به صبر و بردباری، قناعت، حُسن ظن، سخاوت و بخشندگی، کسب علم و هنر و جز آن‌ها ترغیب می‌کند و از آزار دیگران، خودبینی، نفس‌پروری، بخل و خساست، حرص و آز،

عیب‌جویی و غیبت و جز آن‌ها تحذیر می‌کند. سبک بیان و ایراد موضوعات اخلاقی و تربیتی در گلستان، با کتاب‌هایی از جمله: کیمیای سعادت و اخلاق ناصری تفاوت دارد. سعدی فقط به تعریف‌هایی از فضایل اخلاقی چون قناعت، سخاوت و صبر و... نپرداخته است و نه فقط متن احادیث و آیات را در گفتارش آورده بلکه مفاهیم و نکات آموزنده را در قالب حکایاتی دل‌نشین و تمثیل‌هایی زیبا بیان کرده است. کلام او تلخی نصیحت و موعظه را ندارد بلکه چنان خوشایند و شنیدنی است که خواننده با ذوق و شوق تمام آن تعالیم را که در واقع به صورت ترغیب‌ها و تحذیرها بیان گردیده، به‌کار می‌گیرد. در ادامه به بیان نمونه‌هایی از این باید و نباید‌ها می‌پردازیم.

لازم به یادآوری است که جهت کوتاهی سخن برای هر عنوان از ترغیب‌ها و تحذیرهای مطرح شده، به ذکر سه مورد اکتفا گردیده است، مگر مواردی که یک یا دو مورد بیشتر یافت نشده باشد.

### ۳- ترغیب‌ها:

#### ۳-۱ ترغیب به قناعت

فراخوانی و سفارش به قناعت، بیشترین بسامد را در بین مواردی که سعدی بدانها ترغیب کرده، داراست. «قناعت» از صفات ستوده انسانی است و از دیدگاه سعدی آن قدر اهمیت دارد که یک باب از گلستان و یک باب از بوستان را به این موضوع اختصاص داده است. قناعت حرص را از بین می‌برد و ارزشمندترین فایده آن آرامش دنیا و آخرت است. اگر سفارش می‌شود که به اندک مالی قناعت شود برای این است که حرص آرامش را از انسان سلب می‌کند. «به راستی که هیچ گنجی غنی‌کننده‌تر از قناعت نیست و هیچ مالی فقر‌زاتر از رضای به روزی نیست و هر کس که به کفاف (یعنی به اندازه ضرورت) اقتصار کند، به راحتی و آرامش دست یافته است و اگر قناعت



همین یک هنر را داشته باشد که به آدمی آرامش می‌بخشد و اگر در طمع همین یک زیان باشد که آدمی را تلخ‌کام و مضطرب می‌دارد، شکی در برتری قناعت بر طمع نخواهد ماند. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: قناعت سرمایه‌ای تمام نشدنی است» (سروش، ۱۳۷۵: ۲۹۲-۲۹۱).

در مجموع سعدی مخاطبان خود را در ده مورد به قناعت سفارش و ترغیب کرده است که در زیر برخی از آن‌ها را نقل می‌کنیم:

۱-۱-۳ سعدی در اولین مورد ترغیب به قناعت حکایت وزیری را می‌آورد که معزول شده است و به حلقه درویشان درآمده است و بر اثر هم‌نشینی با آنان به آرامش خاطر رسیده است پس از این که پادشاه از او می‌خواهد که مجدداً به وزارت برگردد، قبول نمی‌کند و می‌گوید که دوری از طمع‌ورزی به تدریج انسان را صاحب طبعی بلند خواهد کرد به طوری که گنج عافیت را بر گنجی که از راه حرص زدن‌های متوالی به دست می‌آید، ترجیح خواهد داد و با بیانی بسیار زیبا ادامه می‌دهد که:

«همای بر همه مرغان از آن شرف دارد که استخوان خورد و جانور نیازارد»  
(سعدی، ۱۳۸۷: ۶۹)

□ ابزار: نظم / شیوه ترغیب: استدلال / نوع ترغیب: امور معنوی / جنبه: غیرمستقیم / وجه فعل: مثبت / قالب بیان: جد.

۲-۱-۳ سعدی «قناعت» را راه‌هایی از مذلت خدمت می‌داند و انسان‌ها را به استفاده از دست‌رنج خود سفارش می‌کند و از آن‌ها می‌خواهد که به آنچه خود دارند، قانع باشند:

«ای شکم خیره به نانی بساز تا نکنی پشت به خدمت دوتا»

□ ابزار: نظم / شیوه ترغیب: امر (ارشاد و راهنمایی) / نوع ترغیب: امور معنوی /

جنبه: مستقیم / وجه فعل: مثبت / قالب بیان: جد.

۳-۱-۳ در حکایت «حاتم طایی» نیز وقتی از حاتم می‌پرسند که آیا بلند همت‌تر از خود در جهان دیده‌ای؟ او خارکنی را معرفی می‌کند که حاضر نشده مهمان سفره او شود، فراخوانی سعدی به «قناعت» و استفاده از دست‌رنج خود بسیار زیبا به تصویر کشیده شده است:

«هر که نان از عمل خویش خورد      مَنّت حاتم طایی نبُرد»  
(سعدی، ۱۳۸۷: ۱۱۴)

□ ابزار: نظم / شیوه ترغیب: تمثیل / نوع ترغیب: امور معنوی / جنبه: غیرمستقیم /

وجه فعل: مثبت / قالب بیان: جد.

۳-۲ ترغیب به علم اندوزی و اندیشه و هنر

ترغیب به علم اندوزی و اندیشه و هنر نیز از مواردی است که سعدی با بسامد بالایی به آن سفارش کرده است. در مورد آموختن علم و دانش و کسب فضیلت‌ها در متون تعلیمی و اندرزی بسیار سفارش شده است. در این زمینه احادیثی نیز که از معصومین نقل گردیده است، روشن‌گر مسیر آموختن است. وقتی پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «ز گهواره تا گور دانش بجوی» در واقع هیچ محدودیت و شرایط خاصی را برای آموختن قائل نشده است.

۳-۲-۱ سعدی معتقد است که انسان باید از هر موقعیتی و فرصتی برای آموختن

استفاده کند و پند بگیرد:

«مرد باید که گیرد اندر گوش      ور نبشته‌ست پند بر دیوار»

(همان: ۱۰۴)

□ ابزار: نظم / شیوه ترغیب: امر (ارشاد و راهنمایی) / نوع ترغیب: امور معنوی /

جنبه: مستقیم / وجه فعل: مثبت / قالب بیان: جد.

امام علی (ع) در در برتری علم بر ثروت به کمیل می‌فرماید: «کمیل! دانش به از مال است که دانش تو را پاسبان است و تو مال را نگهبان. مال با هزینه کردن کم آید، و دانش با پراکنده شدن بیفزاید، و پروردهٔ مال با رفتن مال - با تو - نپاید.» (نهج البلاغه، ۱۳۷۵: ۳۸۷)

۲-۲-۳ سعدی نیز در حکایتی برتری علم و ثروت را بیان می‌کند و به آموختن علم و دانش ترغیب می‌کند:

«دو امیر زاده در مصر بودند: یکی علم آموخت و [آن] دگر مال اندوخت. عاقبة الامر این یکی علامهٔ عصر گشت و آن دگر عزیز مصر شد. باری توانگر به چشم حقارت در درویش فقیه [نظر] کرد و گفت: من به سلطنت رسیدم و این هم چنان در مسکنت بمانده است. گفت: ای برادر، شکر نعمت باری، عزّ اسمّه، مرا بیش می‌باید کرد که میراث پیغمبران یافتم یعنی علم و تو میراث فرعون و هامان یعنی مُلک مصر» (سعدی، ۱۳۸۷: ۱۰۹).

□ ابزار: نثر / شیوهٔ ترغیب: استناد به حدیث «الْعُلَمَاءُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ: عالمان وارثان پیغمبران هستند.» (اثرپذیری الهامی بنیادی) / نوع ترغیب: امور معنوی / جنبه: غیرمستقیم / وجه فعل: مثبت / قالب بیان: جد.

۳-۲-۳ سؤال و پرسش مقدمهٔ افزودن بر دانایی است. سعدی برای آموختن آنچه نمی‌دانیم به سؤال کردن و پرسیدن ترغیب می‌نماید. او برای پرسیدن ارزش بسیار قائل است و امام مرشد محمد غزالی را به عنوان الگو معرفی می‌کند و سؤال را راهی برای رسیدن به عزّ دانایی می‌داند:

«امام مرشد محمد غزالی را، رَحْمَةُ اللَّهِ [علیه]، پرسیدند که چگونه رسیدی بدین منزلت در علوم؟ گفت: بدان که هرچه ندانستم از پرسیدن آن ننگ نداشتم» (همان: ۱۸۴).

□ ابزار: نثر / شیوهٔ ترغیب: معرفی الگو / نوع ترغیب: امور معنوی / جنبه: غیرمستقیم / وجه فعل: منفی / قالب بیان: جد.

### ۳-۳-۳ ترغیب به سخاوت و بخشندگی

سخاوت و بخشندگی با بسامد هشت مورد از جمله مواردی است که سعدی مخاطب را به آن سفارش و دعوت کرده است و بعد از دو فضیلت قناعت و دانش اندوزی قرار گرفته است. سخاوت یکی از فضائل اخلاقی است که در مورد آن بسیار سفارش شده است. در کیمیای سعادت آمده است که: «بدان که هر که مال ندارد باید که حال وی قناعت بود نه حرص و چون دارد حال وی سخاوت بود نه بخل، که رسول (ص) فرموده است: «سَخَا درختی است اندر بهشت؛ هر که سخی باشد دست اندر شاخ وی زده باشد و وی را هم برد به بهشت و بخل درختی است اندر دوزخ و هر که بخیل بود او را همی برد تا به دوزخ» (غزالی، ۱۳۸۱: ۶۴۱). سعدی علاوه بر بیان ارزش سخاوت و بخشندگی، بر وجه زیبایی آن نیز نظر دارد و به ویژه بدان فرا می‌خواند و خصوصاً ثروتمندان را بدان فرا می‌خواند! و در این راه گاهی از روش شاعرانه بهره می‌گیرد.

۳-۳-۳-۱ سعدی در حکایت هفدهم از باب اول این‌طور مطرح می‌کند که: جمعی هم‌صحبتش بوده‌اند و بزرگی را در حق این مصاحبان حُسن ظَنّی بوده است و بر ایشان مقرری تعیین کرده بود اما حرکت نامناسب یکی از آنها باعث بدبینی آن بزرگ می‌شود و مستمری قطع می‌گردد.

سعدی برای برگرداندن مقرری به هم‌صحبتان، با بهره‌گیری از یک تمثیل بسیار موثر به زبان شیوای خود متوسل می‌شود و چنین می‌گوید:

«چو کعبه قبله حاجت شد از دیار بعید      روند خلق به دیدارش از بسی فرسنگ

تو را تحمل امثال ما بیاید کرد      که هیچ کس نزند بر درخت بی‌سنگ»

(سعدی، ۱۳۸۷: ۷۳)

□ ابزار: نظم / شیوه ترغیب: استدلال / نوع ترغیب: امور معنوی / جنبه: غیرمستقیم /

وجه فعل: مثبت / قالب بیان: جد.

۲-۳-۳ در حکایت بعدی چنین می‌آورد: به ملک‌زاده‌ای ثروت فراوانی از پدر ارث می‌رسد و او شروع به بخشندگی و سخاوت می‌کند و ثروت را به سپاهیان و رعیت می‌دهد، وقتی یکی از هم‌نشینان بی‌خرد، او را از این کار نهی می‌کند، او توجه بسیار زیبایی برای کار خود می‌آورد و می‌گوید: خداوند مرا پادشاه گردانید تا بخورم و ببخشم، پاسبان نیستم که مال و ثروت را نگه‌داری کنم. در این مورد عنصرالمعالی نیز می‌گوید: «اگر خواهی که بهترین خلق باشی، چیز از خلق دریغ مدار» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۸: ۵۵).

□ ابزار: نظم / شیوه ترغیب: استدلال / نوع ترغیب: امور معنوی / جنبه: مستقیم /

وجه فعل: مثبت / قالب بیان: جد.

۳-۳-۳ در جدال سعدی با مدعی نیز آخرین سخن و به قول سعدی ختم سخن، ترغیب و سفارش توانگران است به سخاوت و بخشندگی:

«توانگرا چو دل و دست کامرانت هست بخور، ببخش که دنیا و آخرت بردی»

(سعدی، ۱۳۸۷: ۱۶۸)

□ ابزار: نظم / شیوه ترغیب: امر (ارشاد و راهنمایی) / نوع ترغیب: امور معنوی /

جنبه: غیر مستقیم / وجه فعل: مثبت / قالب بیان: طنز.

برای رعایت کوتاهی سخن، از ذکر سایر موارد ترغیب به سخاوت و بخشندگی صرف نظر می‌کنیم.

۴-۳ ترغیب به میانه‌روی و تعادل در کارها

در مورد میانه‌روی و تعادل در کارها و امور زندگی، بسیار سفارش شده است. افراط و تفریط در هرکاری ناپسند است، در متون اندرزی سفارش می‌شود که حتی در دوستی، از افراط خودداری کنید و منظور از افراط این است که فرد نباید تمامی رموز زندگی خود را در اختیار دوست قرار دهد زیرا ممکن است روزی دوستی به دشمنی

بدل شود و در این صورت چنین دوستی از هر دشمنی خطرناک تر است. عنصرالمعالی نیز می‌گوید: «پس، اندازه همه کارها نگاه‌دار خواه در دوستی، خواه در دشمنی که اعتدال جزوی است از عقل کلی» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۸: ۱۱۴).

شیخ اجل در هشت مورد مخاطبان خود را به میانه روی و تعادل دعوت و ترغیب می‌کند. او همه مخاطبان را به میانه روی در امور ذیل فرا خوانده است: دوستی، انتقام گرفتن، دید و بازدیدها، دخل و خرج، رفتار و هم چنین تعادل و میانه روی در غذا خوردن.

۳-۴-۱ شیخ مصلح‌الدین معلمان و مربیان را به تعادل در رفتار و برخورد ترغیب می‌کند و آنان را از افراط و تفریط در امر آموزش باز می‌دارد. از نظر او معلم نباید زیاد سخت‌گیر باشد و نه بیش از اندازه مهربان، در واقع معلم باید در امر آموزش و پرورش طفل، نرمی و درشتی را به هم درآمیزد:

«استاد معلم چو بود بی‌آزار  
خرسک بازند کودکان در بازار»  
(سعدی، ۱۳۸۷: ۱۵۶)

□ ابزار: نظم / شیوه ترغیب: استدلال / نوع ترغیب: امور معنوی / جنبه: غیر مستقیم / وجه فعل: مثبت / قالب بیان: طنز.

۳-۴-۲ سعدی در مورد انتقام گرفتن نیز سفارش می‌کند که باید جانب احتیاط را رعایت کرد و در آن زیاده‌روی نکرد و حکایت پسر هارون‌الرشید را می‌آورد که سرهنگ‌زاده‌ای او را دشنام داد و هارون‌الرشید به فرزند خود توصیه می‌کند که اگر می‌خواهی انتقام بگیری، سعی کن انتقام از حد و اندازه خود نگذرد که در این صورت ظلم از طرف تو باشد:

«هارون پسر را گفت: ای پسر کرم آن است که عفو کنی و اگر به ضرورت انتقام خواهی تو نیز دشنام مادر ده، نه چندان که انتقام از حد بگذرد که آنکه ظلم از طرف

تو باشد و دعوی از قِبَل خصم» (سعدی، ۱۳۸۷: ۸۲).

□ ابزار: نثر / شیوه ترغیب: استناد به گفتار بزرگان (تاریخی) / نوع ترغیب: امور معنوی / جنبه: غیر مستقیم / وجه فعل: مثبت / قالب بیان: جد.

۳-۴-۳ در نمونه زیر که بیان داستانی از پیامبر (ص) است، سعدی به میانه‌روی و اعتدال در دید و بازدهی و رفت و آمدها ترغیب می‌کند:

«ابوهزیره، رضی الله عنه، هر روز به خدمت مصطفی، صلی الله علیه و سلم، آمدی. یک روز فرمود: یا ابا هریره زرنی غِبّاً تَزِدُّ حُبّاً؛ هر روز میا تا محبت زیاد شود» (همان: ۹۹).

□ ابزار: نثر / شیوه ترغیب: استناد به گفتار بزرگان (مذهبی - عرفانی) / نوع ترغیب: امور معنوی / جنبه: مستقیم / وجه فعل: مثبت / قالب بیان: جد.

### ۳-۵- ترغیب به صبر و بردباری

سعدی در شش مورد، مخاطب را به صبر و بردباری سفارش می‌کند و از آن به عنوان یکی از فضایل اخلاقی یاد می‌کند. صبر از لحاظ لغوی به معنای شکیبایی است. در متون اسلامی برای صبر و بردباری ارزش فراوان قایل شده‌اند و بسیار به آن سفارش کرده‌اند و در نهج‌البلاغه آمده است که «شکیبا پیروزی از دست ندهد اگرچه روزگاری بر او بگذرد» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۵: ۳۹۰). هم‌چنین در کیمیای سعادت آمده است که: «از رسول (ص) پرسیدند که ایمان چیست؟ گفت: صبر. گفت اندر خبری دیگر که «صبر نیمه ایمان است» و به سبب بزرگی و فضل صبرست که حق تعالی اندر قرآن زیادت از هفتاد جای صبر را یاد کرده است و هر درجه که نیکوترست حواله با صبر کرده است» (غزالی، ۱۳۸۱: ۷۷۵).

۳-۵-۱ سعدی در مورد زیر بیان می‌کند که اگرچه صبر و بردباری سخت است ولی سرانجام نتیجه خوبی خواهد داد:

«منشین ترش از گردش ایام که صبر چو تلخ است ولیکن بر شیرین دارد»

(همان: ۷۱)

□ ابزار: نظم / شیوه ترغیب: استدلال / نوع ترغیب: امور معنوی / جنبه: مستقیم / وجه فعل: مثبت / قالب بیان: جد.

۲-۵-۳ سعدی در حکایت دیگری داستان درویشی را مطرح می‌کند که جانشین پادشاهی شده که قائم مقامی نداشته و پس از مدتی بزرگان دولت سر از اطاعت او پیچیده و به جنگ برخاستند، درویش آزرده خاطر گشته، از پند بزرگان یاد می‌کند که:

«گر غنی زر به دامن افشاند      تا نظر در ثواب او نکنی  
کز بزرگان شنیده‌ام بسیار      صبر درویش به که شکر غنی»

(سعدی، ۱۳۸۷: ۹۸)

□ ابزار: نظم / شیوه ترغیب: استناد به گفتار بزرگان (نوعی یا تیبیک) / نوع ترغیب: امور معنوی / جنبه: غیرمستقیم / وجه فعل: مثبت / قالب بیان: جد.

۳-۵-۳ سعدی در جای دیگر با معرفی لقمان به عنوان الگویی که صبر را برگزیده، ما را به صبر و بردباری ترغیب می‌کند:

□ ابزار: نظم / شیوه ترغیب: معرفی الگو / نوع ترغیب: امور معنوی / جنبه: غیرمستقیم / وجه فعل: مثبت / قالب بیان: جد.

برای کوتاهی سخن از ذکر سایر موارد ترغیب به صبر و بردباری چشم پوشی می‌کنیم.

### ۳-۶ ترغیب به آینده‌نگری و پیش‌بینی امور و چاره‌اندیشی به موقع

۱-۳-۶ اولین جایی که سعدی به آینده‌نگری ترغیب می‌کند، دیباچه است و ترغیب او در واقع آینده‌نگری برای آخرت و پس از مرگ است. او از مخاطب می‌خواهد که تا فرصت دارد به فکر آخرت باشد و ره‌توشه‌ای برای خود آماده سازد. امام علی (ع) در این‌باره می‌فرماید: «پس از شما آنرا که پروای کار است، وظیفه خود بگذارد؛ در روزهایی که فرصتی دارد؛ پیش از آن که مرگ او را به حال خود نگذارد. روزهایی که



آسوده خاطر است؛ و زمان دل‌مشغولی او نرسیده؛ زمانی که دم تواند برآورد و گل‌ویش نتاسیده؛ و باید که خود را برای رسیدن بدان جهان آماده دارد و از جای کوچ برای جای ماندن، توشه بردارد» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۵: ۶۷).

«برگ عیشی به گور خویش فرست کس نیارد ز پس، ز پیش فرست»  
(سعدی، ۱۳۸۷: ۵۲)

□ ابزار: نظم / شیوه ترغیب: امر (ارشاد و راهنمایی) / نوع ترغیب: امور معنوی /

جنبه: مستقیم / وجه فعل: مثبت وجه فعل: مثبت / قالب بیان: جد.

۳-۳-۶ یکی از نشانه‌های خردمند آن است که قبل از ورود به هر کاری زوایا و خفایای آن‌را به دقت بررسی کند و بیرون آمدن را بر داخل شدن مقدم بدارد. یعنی این‌که نخست آن‌را پیش بینی کند. در قابوس نامه نیز آمده است: «به هر کاری که بخواهی کردن چون در او خواهی شدن نخست بیرون رفتن آن کار نگر، تا آخر نبینی اول مبین» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۸: ۱۷۴).

سعدی این مطلب را به زیبایی بیان کرده است و بر پیش بینی امور ترغیب می‌کند:  
«لَقَمَانِ رَا كَفْتَنَد: حَكْمَتِ اَز كِه اَمُوخْتِي؟ كَفْت: اَز نَابِينَايَانِ كِه تَا جَاي نَبِينَنَد پَاي نَنهَنَد. قَدَمُ الْخُرُوجِ قَبْلَ الْوُلُوجِ. مَرْدِيْتِ بِيَازْمَايِ وَ اَنگِه زَن كَن» (سعدی، ۱۳۸۷: ۵۶).

□ ابزار: نثر / شیوه ترغیب: استناد به گفتار بزرگان (مذهبی - عرفانی) / نوع ترغیب:

امور معنوی / جنبه: غیرمستقیم / وجه فعل: مثبت / قالب بیان: جد.

۳-۳-۶ شیخ اجل در حکایت پادشاهی که دست تطاول به مال رعیت دراز کرده و جور و اذیت آغاز کرده بود و در نتیجه آن سیاست، رعیت کم و ارتفاع ولایت نقصان یافته و خزینه تهی و دشمنان زور آورده بودند، ترغیب به آینده‌نگری می‌کند و می‌گوید:  
«هر که فریادرس روز مصیبت خواهد گو در ایام سلامت به جوانمردی کوش»

(همان: ۶۳)

□ ابزار: نظم / شیوه ترغیب: امر (ارشاد و راهنمایی) / نوع ترغیب: امور معنوی / جنبه: مستقیم / وجه فعل: مثبت / قالب بیان: جد.

### ۳-۷ ترغیب به سخن گفتن و سکوت به موقع

وقت شناسی در بیان سخن و رعایت مقتضای حال، یکی از نشانه‌های خردمندی است، حضرت علی (ع) در مورد جایگاه سخن و سکوت می‌فرمایند: «آن‌جا که گفتن باید خاموشی نشاید و آن‌جا که ندانند، به که خاموش مانند» (نهج البلاغه، ۱۳۷۵: ۳۹۳). شیخ اجل نیز مخاطبان خود را بدین موضوع بارها فراخوانده است؛ از جمله:

۱-۳-۷ سعدی زبان بریده را بهتر از کسی می‌داند که اختیار زبان خود را ندارد، او هم‌چنین سخن گفتن و سکوت بی‌وقت را از سبکی عقل می‌داند و مخاطب را به وقت-شناسی در سخن گفتن و سکوت ترغیب می‌کند:

«زبان بریده به کنجی نشسته صم بکم  
 به از کسی که نباشد زبانش اندر حکم  
 اگرچه پیش خردمند، خامشی ادب است  
 به وقت مصلحت آن به که در سخن کوشی  
 دو چیز طیره عقل است: دم فرو بستن  
 به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی»  
 (سعدی، ۱۳۸۷: ۵۳)

□ ابزار: نظم / شیوه ترغیب: امر (ارشاد و راهنمایی) / نوع ترغیب: امور معنوی / جنبه: غیرمستقیم / وجه فعل: وجه مصدری / قالب بیان: جد.

۲-۳-۷ سعدی علاوه بر این که از سخن گفتن بی‌جا تحذیر می‌کند، از سخنی که جواب ناپسند دارد نیز برحذر می‌دارد و باز به لزوم سخن گفتن به‌جا تأکید دارد و به آن ترغیب می‌کند:

«تا ندانی که سخن عین صواب است مگوی  
 و آنچه دانی که نه نیکوش جواب است، مگوی»

(همان: ۱۵۹)  
 ۳-۳-۷ و باز در جای دیگر می‌گوید: «خردمندان گفته‌اند: هر که سخن نسنجد از

جواب سخن برنجد.

تا نیک ندانی که سخن عین صواب است باید که به گفتن دهن از هم نگشایی»  
(سعدی، ۱۳۸۷: ۱۸۶)

□ ابزار: نظم و نثر / شیوه ترغیب: استناد به گفتار بزرگان (نوعی یا تیبیک) / نوع ترغیب: امور معنوی / جنبه: مستقیم / وجه فعل: منفی / قالب بیان: جد.  
آنچه تا کنون از آن یاد شد، مواردی از فراخواندن‌ها یا ترغیب‌های سعدی بود و در ادامه به طرح موضوع‌هایی می‌پردازیم که شیخ اجل مخاطبان خود را از آن‌ها بر حذر داشته است. در مجموع سعدی ۱۰۹ بار در گلستان مخاطبان را از امور مختلف بر حذر داشته که در ادامه به برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

#### ۴- بازداشت‌ها یا تحذیرها

##### ۴-۱ تحذیر از مردم‌آزاری

تحذیر از مردم‌آزاری با بیشترین بسامد از جمله مواردی است که سعدی به آن پرداخته است. او در مجموع هشت بار مخاطب را از مردم‌آزاری بر حذر می‌دارد. زندگی انسان‌های بد برای دیگر مردمان مضر است و مرگشان صلاح دوجیهانی است. سعدی، مردم‌آزاران را سخت نکوهش می‌کند، خصوصاً مردم‌آزارانی که حاکم یا پادشاه باشند. به عنوان مثال حکایت درویش مستجاب‌الدعوه و خواهش حجاج یوسف از او، نمونه‌ای از عقیده سعدی در باب زورمندان مردم‌آزار است. او در این حکایت مردم‌آزاری را تحذیر می‌کند و مردن مردم‌آزار را از زندگانی او بهتر می‌شمرد:

۴-۱-۱ «درویشی مستجاب‌الدعوه در بغداد پدید آمد. حجاج یوسف را خبر کردند. بخواندش و گفت: دعای خیری بر من بکن. گفت: خدایا جانش بستان. گفت: از بهر خدا این چه دعاست؟! گفت: دعای خیرست تو را و جمله مسلمانان را.

ای زبردست زبردست آزار / گرم تا کی بماند این بازار  
به چه کار آیدت جهان‌داری / مردنت به که مردم‌آزاری»

(همان: ۷۴)

□ ابزار: نثر و نظم / شیوه تحذیر: استدلال / نوع تحذیر: امور معنوی / جنبه: غیرمستقیم / وجه فعل: مثبت / قالب بیان: جد.

۴-۱-۲ سعدی ضمن این که مخاطبان را از مردم آزاری برحذر می دارد و آنان را به بی آزاری سفارش می کند با زبانی تند و منتقدانه حیوانات را از مردم آزاران بهتر می داند:

«مسکین خراگرچه بی تمیزست      چون بار همی برد عزیزست  
گاووان و خران رنج بردار      به ز آدمیان مردم آزار»  
(سعدی، ۱۳۸۷: ۷۴)

□ ابزار: نظم / شیوه تحذیر: تمثیل / نوع تحذیر: امور معنوی / جنبه: غیرمستقیم / وجه فعل: مثبت / قالب بیان: جد.

۴-۱-۳ هم چنین در حکایت ظالمی که هیزم درویشان خریدی به حیف و توانگران را دادی به طرح، از زبان صاحب دلی، از ظلم و ستم تحذیر می کند و ظالم را از دعا و آه مظلوم بیم می دهد:

«زورمندی مکن بر اهل زمین      تا دعایی بر آسمان نرود  
به هم بر مکن تا توانی دلی      که آهی جهانی به هم بر کند»  
(همان: ۷۸)

□ ابزار: نظم / شیوه تحذیر: استناد به گفتار بزرگان (نوعی یا تپیک) / نوع تحذیر: امور معنوی / جنبه: غیر مستقیم / وجه فعل: منفی / قالب بیان: جد.

۴-۲ تحذیر از هم نشینی با افراد فرومایه و نادان

دومین موردی که بسامد آن در میان تحذیرها بسیار بالاست، هم نشینی با افراد فرومایه و نادان است. شیخ اجل در مجموع هفت بار مخاطبان خود را از هم نشینی با افراد فرومایه و نادان بر حذر می دارد. سعدی همان قدر که به مصاحبت با نیکان توصیه

می‌کند، از مصاحبت با بدان برحذر می‌دارد. در این باره، صاحب‌نظران تربیت نیز بسیار سفارش کرده‌اند؛ از جمله خواجه نصیرالدین می‌گوید: «اول چیزی از تأدیب او آن بود که او را از مخالفت اصداد که مجالست و ملاعبت ایشان مقتضی فساد طبع او بود، نگاه‌دارند؛ چه نفس کودک ساده باشد و قبول صورت از اقران خود زودتر کند» (نصیرالدین طوسی، ۱۳۸۷: ۲۹۷). همین‌طور غزالی نیز در این باره می‌گوید: «اصل همه فسادها از قرین بد خیزد» (غزالی، ۱۳۸۱: ۵۳۱).

۴-۲-۱ سعدی می‌گوید:

«ابر اگر آب زندگی بارد هرگز از شاخ بید بر نخوری  
با فرومایه روزگار مبر کز نی بوریبا شکر نخوری»  
(سعدی، ۱۳۸۷: ۶۱)

□ ابزار: نظم / شیوه تحذیر: نهی (ارشاد) // نوع تحذیر: امور معنوی / جنبه: مستقیم /

وجه فعل: منفی / قالب بیان: جد.

۴-۲-۲ از جمله دیگر تحذیرهای شیخ اجل، در حکایتی است که همسر لوط را مثال می‌آورد. قصد او در واقع از این کار این است که بگوید هم‌نشینی با افراد بد حتی اگر از خاندان پیامبر هم باشی در تو اثر بد می‌گذارد و فضیلت پیوستگی با خاندان نبوت را از دست خواهی داد:

«با بدان یار گشت همسر لوط خاندان نبوتش گم شد»  
(همان: ۶۲)

□ ابزار: نظم / شیوه تحذیر: استناد به قرآن: آیات ۸۱ سوره هود و ۳۲-۳۳ سوره

عنکبوت (اثرپذیری الهامی - بنیادی) // نوع تحذیر: امور معنوی / جنبه: غیرمستقیم / وجه فعل: مثبت / قالب بیان: جد.

۴-۲-۳ سعدی با زبانی تند و منتقدانه مخاطبان خود را از هم‌نشینی با افراد نادان بر

حذر داشته است و کسی را که با افراد نادان هم‌نشین شود، نادان می‌شمرد. عنصرالمعالی نیز در این باره می‌فرماید: «با مردم نادان صحبت مکن خاصه با نادانی که پندارد که داناست و بر جهل خرسند مشو و صحبت جز با مردم نیک‌نام مکن.» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۸: ۴۳) و باز می‌گوید: «اگر خواهی که بر دلت جراحی نیفتد که به هیچ مرهم بهتر نشود، با هیچ نادان مناظره مکن» (همان: ۵۷).

«رقم بر خود به نادانی کشیدی      که نادان را به صحبت برگزیدی  
 طلب کردم ز دانایان یکی پند      مرا گفتند: با نادان مپونند  
 که گر دانای دهری خر بباشی      و گر نادانی، ابله تر بباشی»  
 (سعدی، ۱۳۸۷: ۱۸۵)

□ ابزار: نظم / شیوه تحذیر: استدلال / نوع تحذیر: امور معنوی / جنبه: مستقیم / وجه فعل: منفی / قالب بیان: جد.

برای کوتاهی سخن به ذکر همین موارد اکتفا می‌شود و از ذکر سایر موارد تحذیر از هم نشینی با افراد فرومایه و نادان چشم‌پوشی می‌نماییم.

#### ۳-۴ تحذیر از کوچک و حقیر شمردن دشمن و اعتماد به او

سعدی در چهار مورد بر این نکته تأکید می‌کند که دشمن را نباید کوچک و حقیر دانست. او معتقد است حتی اگر ضعیف و حقیر هم باشد، باز باید از او اندیشه کرد و نباید از او ایمن بود. عنصرالمعالی نیز بر این نکته تأکید می‌کند و می‌گوید: «و دشمن خرد را هم خوار مدار و با دشمن ضعیف چنان دشمنی کن که با دشمن قوی کنی و مگوی که او خرد است» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۸: ۱۱۱).

۳-۴-۱ سعدی از کوچک و حقیر شمردن دشمن تحذیر می‌کند و می‌گوید:  
 «دانی که چه گفت زال با رستم گرد      دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد»

(سعدی، ۱۳۸۷: ۶۲)

□ ابزار: نظم / شیوه تحذیر: استناد به گفتار بزرگان (اسطوره‌ای) / نوع تحذیر: امور معنوی / جنبه: غیرمستقیم / وجه فعل: منفی / قالب بیان: جد.

۲-۳-۴ «هر که دشمن کوچک را حقیر می‌شمارد بدان ماند که آتش اندک را مُهمَل می‌گذارد» (سعدی، ۱۳۸۷: ۱۷۱).

□ ابزار: نثر / شیوه تحذیر: تمثیل / نوع تحذیر: امور معنوی / جنبه: غیرمستقیم / وجه فعل: مثبت / قالب بیان: جد.

۳-۳-۴ و در مورد دیگری می‌گوید:

«به روز معرکه ایمن مشو ز خصم ضعیف که مغز شیر برآرد چو دل ز جان برداشت» (همان: ۱۷۴)

□ ابزار: نظم / شیوه تحذیر: نهی (تهدید و تحذیر مخاطب) / نوع تحذیر: امور معنوی / جنبه: مستقیم / وجه فعل: منفی / قالب بیان: جد.

۴-۴ تحذیر از انجام امور بیهوده

سعدی در چند مورد مخاطب را از انجام امور بیهوده باز می‌دارد و سفارش می‌کند که کاری که نتیجه و فایده‌ای ندارد، انجام ندهد. از نظر سعدی کسی که به انجام امور بیهوده می‌پردازد، در واقع خود را خسته می‌کند و به خود آسیب می‌رساند:

۱-۴-۴ «هر که با پولاد بازو پنجه کرد ساعد مسکین خود را رنجه کرد» (همان: ۷۵)

□ ابزار: نظم / شیوه تحذیر: استدلال / نوع تحذیر: امور معنوی / جنبه: غیرمستقیم / وجه فعل: مثبت / قالب بیان: جد.

۲-۴-۴ «دو کس رنج بیهوده بردند و سعی بی‌فایده کردند: یکی آن‌که اندوخت و نخورد و دیگر آن‌که آموخت و نکرد» (همان: ۱۷۰).

□ ابزار: نثر / شیوه تحذیر: استدلال / نوع تحذیر: امور معنوی / جنبه: غیرمستقیم / وجه فعل: منفی / قالب بیان: جد.

۳-۴-۴ هم چنین سعدی معتقد است که نصیحت کردن افراد خودرأی، کاری بیهوده است و چنین استدلال می‌کند که این چنین فردی خود به اندرزگویی محتاج است. او مخاطب را از انجام این کار برحذر می‌دارد: «هر که نصیحت خودرأی می‌کند او خود به نصیحت‌گری محتاج است» (سعدی، ۱۳۸۷: ۱۷۵).

□ ابزار: نثر/شیوه تحذیر: تمثیل / نوع تحذیر: امور معنوی / جنبه: غیرمستقیم / وجه فعل: مثبت / قالب بیان: جد.

سعدی در بازداشت مخاطب از امور بی فایده طبق بررسی به عمل آمده هر دو ابزار نظم و نثر را یکسان بکارگرفته است و به صورت غیر مستقیم با بیان جد و با استفاده از تمثیل و استدلال به بیان مطلب پرداخته است.

#### ۵-۴ تحذیر از بخل و سفلیگی

بخل و سفلیگی از جمله رذایل اخلاقی هستند. در تهذیب‌الاخلاق، در تعریف بخل آمده است که: «و آن محروم ساختن مستمندان در عین توانایی بر ارزانی داشتن نعمت بدان‌ها است» (یحیی بن عدی، ۱۳۷۱: ۶۷). در متون اندرزی، سفلیگی با بخل هم معناست. سفله کسی است که به کسی چیزی نمی‌بخشد و اگر از او درخواست شود، سر باز می‌زند. بخل و سفلیگی رذیلتی است که موجب می‌شود انسان بخیل از دیدن نان خوردن دیگران هم ناراحت باشد. در کیمیای سعادت از قول رسول خدا (ص) آمده است که: «و رسول (ص) گفت: دور باشید از بخل که آن قوم که پیش از شما بوده‌اند به بخل هلاک شدند و بخل ایشان را بر آن داشت تا خون‌ها بریختند و حرام را حلال داشتند» (غزالی، ۱۳۸۱: ۶۴۵).

۱-۵-۴ سعدی نیز ضمن حکایتی کوتاه، چهره بخل را به تصویر می‌کشد و مخاطبان



خود را از آن برحذر می‌دارد:

«توانگری بخیل [را] پسری رنجور بود. نیک‌خواهانش گفتند: مصلحت آن است که ختم قرآن کنی از بهر وی یا بذل قربان. لختی به اندیشه فرو رفت و گفت: مُصحفِ مهجور اولی‌تر است که گله‌ی دور. صاحب‌دلی بشنید و گفت: ختمش به علت آن اختیار آمد که قرآن بر سر زبان است و زر در میان جان.

دریغا گردن طاعت نهادن      گرش همراه بودی دستِ دادن  
به دیناری چو خر در گل بماند      وَرِ اَلْحَمْدِ بخوامی صد بخوانند»  
(سعدی، ۱۳۸۷: ۱۵۳-۱۵۲)

□ ابزار: نثر و نظم / شیوهٔ تحذیر: استناد به گفتار بزرگان (نوعی یا تیپیک) / نوع

تحذیر: امور معنوی / جنبه: غیرمستقیم / وجه فعل: مثبت / قالب بیان: طنز.

سعدی در حکایت جدال سعدی با مدعی نیز بسیار زیبا، چهرهٔ انسان بخیل را به تصویر می‌کشد و از بخل و حساست برحذر می‌دارد. انسان بخیل را ابر آزار می‌داند که نمی‌بارد و چشمهٔ آفتابی که بر کس نمی‌تابد. غزالی نیز می‌گوید: «انسان باید بداند که عمرش آن قدر طولانی نیست که به مال بسیار نیاز داشته باشد و اگر فرد همین نکته را مد نظر داشته باشد، از بخل دست می‌کشد» (غزالی، ۱۳۵۱: ۴۴).

۴-۵-۲ سعدی پس از این‌که خصوصیات و صفات بخیل را ذکر می‌کند، می‌گوید:  
«چنان‌که بزرگان گفته‌اند: سیم بخیل وقتی از خاک برآید که وی در خاک رود»  
(سعدی، ۱۳۸۷: ۱۶۴).

□ ابزار: نثر / شیوهٔ تحذیر: استناد به گفتار بزرگان (نوعی یا تیپیک) / نوع تحذیر:

امور معنوی / جنبه: غیرمستقیم / وجه فعل: مثبت / قالب بیان: جد.

بر همین اساس سعدی مخاطبان را از جمع کردن مال نیز بر حذر می‌دارد؛ مالی که انسان جمع کند و عمر خود را به خاطر آن صرف کند و بخیلی و سفلگی مانع از

مصرف به جا و صحیح آن شود. مال و ملک از نظر سعدی پایدار نیست و دست به دست می‌گردد. البته اعتقاد سعدی بر این است که مال و دارایی در صورتی که به درستی از آن استفاده شود خوب و ارزشمند است:

۳-۵-۴ «مال از بهر آسایش عمرست، نه عمر از بهر گرد کردن مال» (سعدی، ۱۳۸۷: ۱۶۹).

□ ابزار: نثر / شیوه تحذیر: نهی (ارشاد) / نوع تحذیر: امور مادی / جنبه: مستقیم /

وجه فعل: منفی / قالب بیان: جد.

#### ۴-۶-۴ تحذیر از اظهار نیاز

در حکایت «درویشی که در آتش فاقه می‌ساخت»، وقتی یکی به درویش می‌گوید که شخصی هست که طبعی کریم دارد و گرمی عمیم؛ اگر از خواسته و نیاز تو باخبر شود، حتماً به تو کمک خواهد کرد. پاسخ درویش حاکی از این است که او اظهار نیاز پیش دیگران را به شدت نکوهش می‌کند و گرسنه مُردن را بر آن ترجیح می‌دهد. عنصرالمعالی نیز در پنجاهای انوشیروان آورده است که: «از گرسنگی بمردن به از آن که به نان فرویگان سیر شدن» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۸: ۵۵).

۱-۶-۴ «گفت: خاموش که به گرسنگی مُردن به که حاجت به کسی بردن» (سعدی، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

□ ابزار: نثر / شیوه تحذیر: استناد به گفتار بزرگان (نوعی یا تیپیک) / نوع تحذیر:

امور معنوی / جنبه: غیرمستقیم / وجه فعل: وجه مصدری / قالب بیان: جد.

۲-۶-۴ هم‌چنین سعدی در حکایت دیگری مخاطبان را از اظهار نیاز نزد دشمنان باز

می‌دارد. آن‌جا که درویشی بنابر ضرورتی، گلیمی را از خانه یاری می‌دزدد و وقتی حاکم می‌خواهد دست او را قطع کند، صاحب گلیم شفاعت او را می‌کند و مانع از اجرای حکم می‌شود. حاکم، درویش را ملامت می‌کند و او در پاسخ می‌گوید که:

«نشینده‌ای که گفته‌اند: خانهٔ دوستان بروب و در دشمنان مکوب» (سعدی، ۱۳۸۷: ۹۲)

□ ابزار: نثر / شیوهٔ تحذیر: استناد به گفتار بزرگان (نوعی یا تیبیک) / نوع تحذیر: امور معنوی / جنبه: غیر مستقیم / وجه فعل: مثبت / قالب بیان: طنز.

۳-۶-۴ او هم چنین ضمن حکایتی دیگر از اظهار نیاز نزد افراد بداخلاق بر حذر می‌دارد و می‌گوید:

«مبر حاجت به نزدیک ترش روی      که از خوی بدش فرسوده گردی  
اگر گویی غم دل با کسی گوی      که از رویش به نقد آسوده گردی»

(همان: ۱۱۳)

□ ابزار: نظم / شیوهٔ تحذیر: استناد به حدیث پیامبر (ص): «أَطْبُوا الْخَيْرَ عِنْدَ حِسَانِ الْوَجُوهِ، از نیکو رویان، نیکی چشم دارید.» (اثرپذیری الهامی — بنیادی) / نوع تحذیر: امور معنوی / جنبه: مستقیم / وجه فعل: منفی / قالب بیان: طنز.

#### ۷-۴ تحذیر از علم بدون عمل

اگرچه سعدی در موارد مختلف به علم‌آموزی و کسب علم و دانش سفارش می‌کند و معتقد است که انسان باید از هر فرصت و موقعیتی (حتی پندی که بر دیوار نوشته شده) برای آموختن بهره بگیرد. هم چنین با استناد به حدیث «دانشمندان وارثان پیامبران هستند»، ترغیب و سفارش به علم‌آموزی می‌کند و یا در جای دیگر «پرسیدن» را راه رهایی از جهل و نادانی و رسیدن به عزّ دانایی معرفی می‌کند و بدان ترغیب می‌نماید. ولی علمی که عملی به دنبال آن نباشد و دانشمندی که به آنچه می‌داند عمل نکنند، از نظر او هیچ ارزشی ندارد و چنین علمی را نکوهش می‌کند. او در دو مورد مخاطبان خود را از کسب علم بدون عمل بر حذر می‌دارد. امام علی (ع) نیز در این باره می‌فرماید: «همانا عالم که علم خود به کار نبندد، چون نادانی است سرگردان که از بیماری نادانی نرهد» (نهج البلاغه، ۱۳۷۵: ۱۰۷). در جای دیگر می‌فرماید: «آن‌که مردم

را به خدا خواند و خود به کار نپردازد، چون تیرافکنی است که از کمان بی زه تیر اندازد.» (نهج البلاغه، ۱۳۷۵: ۴۲۱)

۴-۷-۱ سعدی در نمونه زیر، آموختن علمی را که عمل به دنبال نداشته باشد، رنج بیهوده و سعی بی فایده می داند و از آن بر حذر می دارد:

«دو کس رنج بیهوده بردند و سعی بی فایده کردند: یکی آن که اندوخت و نخورد و دیگر آن که آموخت و نکرد» (سعدی، ۱۳۸۷: ۱۷۰).

□ ابزار: نثر / شیوه تحذیر: تمثیل / نوع تحذیر: امور معنوی / جنبه: غیر مستقیم / وجه فعل: مثبت / قالب بیان: جد.

۴-۷-۲ در جای دیگر نیز سعدی، علم بدون عمل را به گاو راندن و تخم نیفشاندن مانند می کند و مخاطب را از آن باز می دارد: «هر که علم خواند و عمل نکرد بدان ماند که گاو راند و تخم نیفشاند» (همان: ۱۷۷).

□ ابزار: نثر / شیوه تحذیر: تمثیل / نوع تحذیر: امور معنوی / جنبه: غیر مستقیم / وجه فعل: منفی / قالب بیان: جد.

#### ۴-۸ تحذیر از بدگویی و عیب جویی از دیگران

عیب جویی یکی از رذایل اخلاقی است. بسیاری از انسانها همواره چشمشان فقط عیب دیگران را می بیند و در واقع نیمه خالی لیوان را می نگرند. در این باره حضرت علی (ع) می فرماید: «خوشا کسی که پرداختن به عیب خویش، وی را از عیب دیگران باز دارد» (نهج البلاغه، ۱۳۷۵: ۱۸۵).

۴-۸-۱ سعدی نیز در این مورد، بدگویی و عیب جویی از دیگران را عملی ناپسند می شمرد و در دو مورد مخاطبان خود را از آن تحذیر می کند. از نظر او خوابیدن بسیار برتر و بهتر است از شب زنده داری و قرآن خواندن که با بدگویی از دیگران همراه شود: «یاد دارم که در ایام طفلی متعبد بودم و شب خیز و مولع زهد و پرهیز. شبی در

خدمت پدر، علیه الرحمه، نشسته بودم و همه شب دیده بر هم نیسته و مُصَحَّف عزیز در کنار گرفته و طایفه‌ای گرد ما خفته. پدر را گفتم: یکی از اینان سر بر نمی‌دارد که دوگانه‌ای بگزارد. چنان خواب غفلت برده‌اند که گویی نخفته‌اند که مرده‌اند. گفت: جان پدر تو نیز اگر بخفتی به که در پوستین مردم افتی» (سعدی، ۱۳۸۷: ۸۹).

□ ابزار: نثر / شیوه تحذیر: کنایه / نوع تحذیر: امور معنوی / جنبه: غیر مستقیم / وجه

فعل: مثبت / قالب بیان: جد.

۴-۸-۲ سعدی معتقد است که هر کس عیب و گناه خود را بر دوش دارد، پس دیگر

نیازی به عیب‌جویی کردن از دیگران ندارد:

«هر که حمّال عیب خویشتید طعنه بر عیب دیگران مزینید»

(همان: ۱۴۸)

□ ابزار: نظم / شیوه تحذیر: نهی (ارشاد) / نوع تحذیر: امور معنوی / جنبه: مستقیم /

وجه فعل: منفی / قالب بیان: طنز.

سعدی در بازداشت مخاطب از بدگویی و عیب‌جویی نیز بیش تر از ابزار نثر و شیوه نهی استفاده کرده است و به صورت مستقیم به ارائه مطلب پرداخته است.

۴-۹ تحذیر از دوستی دنیا

وابستگی و دوستداری دنیا از نظر سعدی نیز امری مذموم است. از نظر او دنیایی که به کسی وفا نمی‌کند، شایسته‌ی دوست داشتن نیست. غزالی نیز می‌گوید: «دوستی دنیا اصل همه معصیت‌هاست» (غزالی، ۱۳۸۱: ۶۱۶) و باز در جای دیگر آورده است که: «عیسی (ع) را گفتند ما را چیزی آموز که حق سبحانه و تعالی ما را دوست گیرد. گفت: دنیا را دشمن بگیرید تا حق تعالی شما را دوست گیرد» (همان: ۶۲۰).

۴-۹-۱ سعدی در تحذیر از دوستداری دنیا می‌گوید:

«یار ناپایدار دوست مدار دوستی را نشاید این غدار»

(سعدی، ۱۳۸۷: ۵۲)

□ ابزار: نظم / شیوه تحذیر: استدلال / نوع تحذیر: امور معنوی / جنبه: مستقیم / وجه فعل: منفی / قالب بیان: جد.

#### ۱۰-۴ تحذیر از ناامیدی

حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «چون سختی به نهایت رسد، گشایش در رسد و چون حلقه‌های بلا سخت به هم آید، آسایش درآید» (نهج البلاغه، ۱۳۷۵: ۴۲۳).

۱-۱۰-۴ سعدی نیز مخاطب خود را از ناامیدی نهی می‌کند و می‌گوید:

«ز کار بسته میندیش و دل شکسته مدار که آب چشمه حیوان درون تاریکی است»

(سعدی، ۱۳۸۷: ۷۱)

□ ابزار: نظم / شیوه تحذیر: نهی (ارشاد) / نوع تحذیر: امور معنوی / جنبه: مستقیم / وجه فعل: منفی / قالب بیان: جد.

#### ۱۱-۴ پرهیز از شادی بر مرگ دشمن

در قابوس‌نامه آمده است که: «اگر دشمن بر دست تو هلاک شود روا بود اگر شادی کنی اما اگر به مرگ خویش بمیرد بس شادمانه مباش، آنکه شادی کن که تو حقیقت دانی که نخواهی مُرد، هرچند حکیمان گفته‌اند که: هر که به یک نفس از پس دشمن میرد آن مرگ را به غنیمت باید شمرد اما چون همه بخواهیم مُرد شادمانه نباید بود» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۸: ۱۱۴).

۱-۱۱-۴ سعدی نیز در حکایت کوتاهی ضمن استناد به گفتار انوشیروان، شادی بر

مرگ دشمن را تحذیر می‌نماید:

«یکی مژده آورد پیش انوشیروان عادل که: خدای تعالی فلان دشمنت برداشت.

گفت: هیچ شنیدی که مرا فرو گذاشت؟ اگر بمرد عدو، جای شادمانی نیست که زندگانی ما نیز جاودانی نیست»

(سعدی، ۱۳۸۷: ۸۳)

□ ابزار: نثر و نظم / شیوه تحذیر: استناد به گفتار بزرگان (تاریخی) / نوع تحذیر:

امور معنوی / جنبه: غیرمستقیم / وجه فعل: منفی / قالب بیان: جد

#### ۱۲-۴ پرهیز از دروغ‌گویی

دروغ‌گویی از گناهان بزرگ است که تمام بزرگان دین، انسان را از آن برحذر داشته‌اند. غزالی به قول رسول خدا اشاره کرده است و می‌گوید: «و رسول (ص) گفت: دروغ بایی است از ابواب نفاق» (غزالی، ۱۳۸۱: ۵۷۵) و در نهج‌البلاغه نیز آمده است که: «از دروغ دوری گزینید که از ایمان به‌دور است. راستگو بر کنگره‌های رستگاری و بزرگواری است و دروغ‌گو کناره مغاک و خواری» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۵: ۶۸).

۱-۱۲-۴ سعدی نیز دروغ‌گفتن را زخم دائمی می‌داند که اگر جراحت آن خوب

شود باز هم اثرش به جا می‌ماند:

«دروغ‌گفتن به ضربت لازم ماند که اگر نیز جراحت درست شود، نشان بماند. چون برادران یوسف علیه‌السلام که به دروغی موسوم شدند نیز به راست گفتن ایشان اعتماد نماند؛ قالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً» (سعدی، ۱۳۸۷: ۱۸۶).

□ ابزار: نثر / شیوه تحذیر: استناد به قرآن: قسمتی از آیه ۱۸ و ۸۳ از سوره یوسف

(اقتباس) / نوع تحذیر: امور معنوی / جنبه: غیرمستقیم / وجه فعل: مثبت / قالب بیان: جد.

#### نتیجه

گلستان از آثار تعلیمی مهم زبان و ادب پارسی است. بنابراین "باید" ها و "نباید" های فراوانی را در آن می‌توان جستجو کرد. این مقاله برای نشان دادن مهمترین "باید" ها و "نباید" ها در این کتاب نگاشته شده است. از مهمترین یافته‌های این پژوهش موارد زیر شایان یاد است:

- سعدی در گلستان، مخاطبان خود را در مجموع ۱۱۷ بار به فضایل اخلاقی

فراخوانده است که می توان آن ها را در ۴۷ موضوع دسته بندی کرد.

- هم چنین سعدی در مجموع ۱۰۹ بار در گلستان مخاطبان خود را از رذایل اخلاقی نهی کرده است که می توان این ۱۰۹ مورد را در ۷۳ امر یا موضوع کلی تر تقسیم بندی کرد.

- بیشترین بسامد در ترغیب و فراخوانی ها به ترتیب عبارتند از: ترغیب به قناعت در مجموع ۱۰ بار، علم و اندیشه و هنر ۱۰ بار، سخاوت ۸ بار، تعادل در کارها ۸ بار، صبر و بردباری ۶ بار و آینده نگری ۶. کم ترین بسامدها، به پند دادن به نادان، دوری از تجملات، عبرت گرفتن و دل نبستن به دنیا اختصاص یافته که بسامد آن ها ۱ بار است. بر اساس نتایج این تحقیق و میزان بسامد موضوع های مختلف می توان چنین استنتاج کرد که موضوع هایی چون قناعت، سخاوت، میانه روی و... که بسامد بیشتری دارند در دنیای تعلیم و تربیت سعدی جایگاه برتری دارند.

- بیشترین بسامد در بازداشت و تحذیرها به ترتیب عبارتند از: تحذیر از مردم آزاری با بسامد ۸ بار، هم نشینی با افراد فرومایه با بسامد ۷ بار، تحذیر از انجام امور بیهوده ۵ بار، تحذیر از حرص و آز ۵ بار و تحذیر از کوچک و حقیر شمردن دشمن و اعتماد به او ۴ بار. کمترین بسامد متعلق به ترک دنیا، گذشت از خطای نادان، دروغ گویی و شکم پرستی با بسامد ۱ بار است.

- در ترغیب و دعوت مخاطب به فضایل، ۷۷ مورد از ابزار نظم، ۲۳ مورد از ابزار نثر و در ۱۷ مورد هر دو ابزار نظم و نثر به کار گرفته شده است.

- در تحذیر و نهی مخاطب از رذایل نیز ۶۵ مورد از ابزار نظم، ۲۵ مورد از ابزار نثر و در ۱۹ مورد از هر دو ابزار استفاده شده است.

- در شیوه های فراخوانی مخاطب نیز به ترتیب بسامد شیوه به کار گرفته شده این

گونه است: امر (ارشاد و راهنمای) ۴۳ مورد، استناد به گفتار بزرگان ۲۵ مورد، تمثیل



۱۵ مورد، استدلال ۱۶ مورد، استناد به قرآن و حدیث ۱۰ مورد، معرفی الگو ۶ مورد، نهی مخاطب ۳ مورد و حسن تعلیل ۱ مورد.

- در تحذیر مخاطب نیز به ترتیب بسامد، از شیوه های زیر استفاده شده است: استناد به گفتار بزرگان ۲۸ مورد، استدلال ۳۳ مورد، تمثیل ۱۶ مورد، نهی ۱۶ مورد، امر ۱۰ مورد، استناد به قرآن و حدیث ۵ مورد، معرفی الگو ۱ مورد و کنایه نیز ۱ مورد.

- در ترغیب و فراخوانی به امور معنوی یا مادی، سعدی در همه موارد سفارش و دعوت به امور معنوی می کند.

- در نوع تحذیر مخاطب به امور معنوی و مادی نیز به جز یک مورد همه موارد به امور معنوی اختصاص یافته است.

- از نظر جنبه مستقیم یا غیر مستقیم داشتن ترغیب و فراخوان ها نیز در مجموع ۶۰ مورد به طور مستقیم به بیان مطلب پرداخته است و در ۵۷ مورد نیز به شکل غیر مستقیم مخاطب را به فضائل اخلاقی دعوت می کند.

- در تحذیرها نیز از جنبه مستقیم یا غیر مستقیم داشتن آن ها، در ۳۲ مورد به طور مستقیم و ۷۷ مورد به شکل غیر مستقیم مخاطب را از رذایل اخلاقی بر حذر می دارد.

- وجه فعل به کار گرفته شده نیز در ترغیب شامل ۹۷ مورد وجه مثبت، ۱۵ مورد وجه منفی و در ۵ مورد وجه مصدری استفاده شده است.

- در تحذیر نیز وجه فعل شامل ۴۴ مورد وجه مثبت، ۵۸ مورد وجه منفی و ۷ مورد وجه مصدری است.

- در ترغیب ها بیان جد را در ۱۰۰ مورد و بیان طنز را در ۱۷ مورد به کار گرفته است.

- در تحذیرها نیز از بیان جد در ۸۶ مورد و از بیان طنز در ۲۳ مورد استفاده کرده است.

این نتایج مشخص می‌کند که سعدی در **ترغیب‌ها و تحذیرهای** خود، ابزار نظم را بر نثر ترجیح داده است و در شیوه به کار گرفته شده نیز استناد به گفتار بزرگان و تمثیل، بالاترین بسامد را به خود اختصاص داده است. هم‌چنین مشخص شد که سعدی تقریباً تمام **فراخوان‌ها و بازداشت‌های** خود را به امور معنوی اختصاص داده است و در بیان مطالب مورد نظر خود، بیشتر از جنبه غیر مستقیم استفاده می‌نماید و وجه فعلی که از آن بهره می‌گیرد وجه مثبت فعل است و هم‌چنین او بیان جد را در ترغیب و تحذیرهای خود بر بیان طنز ترجیح داده است.

هم‌چنین با توجه به مقدمه‌ای که در مدخل‌های مربوط به انواع فراخوان‌ها و بازداشت‌ها آورده شده است می‌توان نتیجه گرفت که:

- **ترغیب‌ها و فراخوانی‌های** سعدی و هم‌چنین **تحذیر‌ها و بازداشت‌های** او همان مواردی هستند که دانشمندان اسلامی از جمله غزالی، ابن‌سینا، خواجه نصیرالدین طوسی، پیش از او بدان پای بند بوده‌اند و احتمال می‌رود که سعدی در نگارش گلستان از آنان متأثر شده باشد.

- هم‌چنان که در بیشتر بندهای مربوط به فراخوان‌ها و بازداشت‌ها اشاره شد، بسیاری از **ترغیب‌ها و تحذیرهای** سعدی در گلستان، متأثر از گفتار امیرالمومنین (ع) در نهج البلاغه است.

#### منابع

۱- قرآن کریم. (۱۳۸۱). مترجم: محمد مهدی فولادوند، قم: انتشارات اسلامی حوزه علمیه.

۲- نهج البلاغه. (۱۳۷۵). مترجم: سید جعفر شهیدی، تهران: علمی فرهنگی.

۳- آقازاده، احمد. (۱۳۸۲). تاریخ آموزش و پرورش ایران، تهران: ارسباران.

۴- امامی، نصرالله. (۱۳۸۵). مبانی و روش‌های نقد ادبی، تهران: جامی.

- ۵- ترابی، علی اکبر. (۱۳۷۸). *جامعه‌شناسی ادبیات فارسی*، تبریز: فروغ آزادی.
- ۶- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۸۴). «*نظری به طنز سعدی*»، مجله سعدی‌شناسی، دفتر هشتم، صص ۹۶-۱۰۵، به کوشش کورش کمالی سروستانی، شیراز: دانش‌نامه فارس.
- ۷- راستگو، محمد. (۱۳۸۷). *تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی*، تهران: سمت.
- ۸- سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۵). *اوصاف پارسایان*، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- ۹- سعدی، مصلح بن عبدالله. (۱۳۸۷). *گلستان سعدی*، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
- ۱۰- ----- (۱۳۶۳). *گلستان سعدی*، تصحیح محمد خزائلی، تهران: جاویدان.
- ۱۱- ----- (۱۳۶۳). *کلیات سعدی*، به اهتمام محمدعلی فروغی، تهران: امیرکبیر.
- ۱۲- ----- (۱۳۸۴). *گلستان سعدی*، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: ققنوس.
- ۱۳- شمیسا، سیروس. (۱۳۶۸). *نگاهی تازه به بدیع*، تهران: فردوس.
- ۱۴- صیادکوه، اکبر، پریسا ظهیر امامی و آزاده نجفیان. (۱۳۸۹). «*بررسی عنصر شخصیت در حکایت‌های بوستان سعدی*»، بوستان ادب، جلد دوم، صص ۱۵۷-۱۳۱. شیراز: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ۱۵- غزالی، محمد. (۱۳۵۱). *نصیحه الملوک*، تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران: انجمن آثار ملی.
- ۱۶- ----- (۱۳۸۱). *کیمیای سعادت*، جلد دوم، تصحیح احمد آرام، تهران: گنجینه.

- ۱۷- معین، محمد. (۱۳۷۷). فرهنگ فارسی، جلد یک، تهران: امیرکبیر.
- ۱۸- یحیی بن عدی. (۱۳۷۱). تهذیب الاخلاق، ترجمه و تصحیح محمد دامادی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
- ۱۹- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۷۸). درس زندگی گزیده قابوس نامه، تهران: علمی.

